

بازماندگان ماد



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

از

حسن جاف

(دکتر در تاریخ)



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

کتابخانه مرکزی

از : حسن جاف

(دکتر در تاریخ)

بازماندگان ماد

کتابخانه مدرسه انبیه قم

تحقیق در زمینه سابقه تاریخی اقوام تشکیل دهنده ملت ایران در طول تاریخ آن، وظیفه مقدس هر يك از دانشمندان و پژوهندگان ایرانشناس است و در این مورد مسئولیت سنگینتر، بجز دوش صاحب نظران و محققین این مرز و بوم است .

با وجود پژوهشها و تحقیقات ارزنده‌ای که در این زمینه از طرف محققین صاحب نظر بعمل آمده است، هنوز تاریخ قوم ماد و ارتباط آنها با کردهای کنونی و سابقه تاریخی کردها در هاله‌ای از ابهام فرو رفته و نیاز به بررسی‌های عمیقتری دارد .

قبل از اینکه بموضوع اصلی مبنی بر وابستگی کرد و ماد بپردازیم ناگزیر از ذکر این مطلبیم که تعداد زیادی از خاورشناسان و محققین بر این عقیده‌اند که کردها آریائی^۱ و منتسب به اقوام

۱- محقق معروف (Coon) معتقد است که ۲۰۰۰ سال ق . م نخستین

هجرت آریائی‌ها کردها را از آسیای وسطی بسرزمین کنونی شان رساند رک :

Coon C. S. (Caravan)

The Story of the Middle — East, London. 1951, P. 75 .

هند و اروپائی^۲ Indo — European می باشند که طوایف هند و ایرانی نیز از آنها منشعب شده اند. گیرشمن طرز ورود آریائی ها به فلات ایران را چنین تشریح کرده است : طی مهاجرت ، ظاهراً آنان به دو دسته تقسیم شدند، یکدسته که آنها شعبه غربی مینامیم دریای سیاه را دور زدند و پس از عبور از «بالکان» و بسفر به داخل آسیای صغیر نفوذ کردند و دسته دیگر که آنها شعبه شرقی مینامیم و بنام «هند و ایرانی معروف اند، به سمت مشرق دریای خزر به حرکت درآمدند. یک بخش از این گروه که ظاهراً بیشتر آنان افراد جنگجو بودند از سوی قفقاز تا انحنای عظیم شط فرات پیش راندند و باهوریان بومی ممزوج شدند و پادشاهی «میتسانی» را تشکیل دادند .

بخش دیگری از این دسته در طول چین خوردگیهای زاگرس مرکزی به حرکت درآمدند و ماد و پارس از این بخش میباشند .^۳
 آنچه در اینجا قابل تذکر است آنستکه برخی از محققین کردها را از همان گروه که در منطقه زاگرس اقامت گزیدند و بنامهای ، گوتی ، کاسی ، لولو ، کاردوخ و غیره معروف شدند، میدانند.^۴
 عقیده دو خاورشناس معروف ، سولاک «Solak» و فون لوشان Vonluchan در روشن کردن موضوعی که ما در صدد توضیح آن هستیم مؤثر میباشد، نامبردگان میگویند :
 قسمتی از آریائیهای ترکستان شوروی بسوی ایران رهسپار

2— The Kurds and Kurdistan by Derk kinnane. (London 1970, P. 3) .

۳— ایران از آغاز تا اسلام ، گیرشمن ، ترجمه دکتر محمد معین تهران، ۱۳۳۱ ، ص ۴۳ .

۴— خلاصه تاریخ الکرد و الکردستان: محمد امین زکی ، ترجمه محمدعلی عونی ، بغداد ۱۹۶۱ ، ص ۶۳-۶۴ .

شدند و در آنجا دو قسمت گردیده ، گروهی از کوههای هیمالایا گذشته به هندوستان رفتند و ملت هند را تشکیل دادند ° و بعید نیست مهاجرت آنها از ایران ۲۵۰۰ سال ق.م. بوقوع پیوسته باشد ، قسمتی دیگر از آنان در منطقه ای بنام پارس اقامت گزیده و دسته ای از آنها بکوههای زاگرس رفته بچندین دسته منشعب شدند و بنامهای ، گوتی ، کاسای ، مانای ، لولو ، کاردوخ ، خالدی ، معروف گردیدند . آنچه معلوم است از شاخه های منطقه زاگرس «مادها» شهرت یافتند و از شاخه های منطقه پارس هخامنشیان بوجود آمدند . ریشه نژادی فارسها به هخامنشیان و کردها بمادها واقوام زاگرس میرسد.^۶

بمهرحال اگر کردها را وابسته به طوایف واقوام دامنه های زاگرس بویژه گوتی ها و کاردوخی ها^۷ بدانیم ، چنین انتسابی بموضوع اصلی که ما در صدد بحث آنیم مغایرت و مباینتی ندارد ، زیرا به احتمال زیاد گوتی ، کرتی ، کاردو ، کاردوخ ، نامهای يك

۵- مرحوم پیرنیا در این مورد گوید : آریائیهای هندوایرانی پس از آنکه تنها با هم زندگی میکردند و مدتی طولانی بایک زبان واحد تکلم مینمودند ، از آسیای میانه مهاجرت کرده به باختر آمدند و از آن پس جدا شدند ، شعبه هندی بطرف هندوکش و دره پنجاب و شعبه ایرانی به طرف جنوب و غرب فلات ایران سرازیر و منتشر شدند در اینجا پیرنیا برخلاف سولاک و فونلوشان معتقد است که طوایف هندوایرانی قبل از رسیدن به ایران ازهم جدا شدند .
ر ک : ایران باستان جلد اول ، ص ۱۵۵ .

۶- میزوی ته ده بی کوردی : علاءالدین سجادی ، بغداد ۱۹۷۱ ص (۵۰)
شورشه کانی کورد : علاءالدین سجادی ، ص ۵ .

۷- کاردوخی ، همان قومی هستند که گزنفون یونانی در سال ۴۰۱ - ق . م به آنان برخورد کرده است و کشور کاردوخیان را تابوهتان دانسته که اکنون سرزمین کردنشین است ، ناگفته نماند گزنفون باشندگان منطقه زاگرس را کاردوخی نامیده است ، ر ک : مقدمه شرفنامه ، محمد عباسی ص ۱۱ .

قوم بوده است و این قوم از طوایف عمده تشکیل دهنده مادها بوده است.^۸ و اسناد بدست آمده مؤید این مطلب می باشد چنانکه از قدیمترین مدارک سومری چنین برمی آید که ملتی موسوم به گوتو یا گوتی وجود داشته که آشوریها آنها را گاردو «Gardu» یا کاردو Kardu کرتی، غوردی، قورتی، مینامیده اند.^۹

این قوم همواره در شورش بوده و مزاحمتهای فراوانی برای آشوریها فراهم می نموده اند.^{۱۰}

در تشابه لفظی میان کلمه گوتی و کرتی و کاردوخ و کرد، خاورشناس معروف Driver معتقد است که: «نولدکه متذکر می شود: کرتیها در مملکت ایران و میدیا و سایر مناطقی که اکنون کردها در آن زندگی میکنند پراکنده شدند. کلمه کرتی (Kyrtili) در وهله اول به کلمه Qurtu (کورتو) یا کاردو Kardu مبدل شد و سپس به کلمه کرت تغییر یافت و واژه کرت شبیه و نزدیک به کلمه کرد است، در ایور Driver اضافه مینماید که: پس از تحقیقات زیاد به این نتیجه رسیده است که بایستی با نظریه نولدکه در مورد اینکه کردها با کرتیها ارتباط دارند موافقت داشت ولی اصل کلمه کرد فارسیست و مشتق از واژه گرد است که با کلمه کاردو و یا گاردوی

۸- گوتیان در سرزمینی زندگی میکردند که بعدها سلطنت ماد در آن مستقر گشت، رك: تاريخ ماد، دیاکونف، ص ۴۸ همچنین رك: Foreign office: Armenia and Kurdistan, London, 1921, P. 4.

۹- الكرد والمسألة الكردية: شاکر خصباک، بغداد، ۱۹۵۹. ص ۱۲ همچنین تاريخ آشور: رابی منشی میر، تهران، ۱۳۴۶، ص ۱۹۱.

۱۰- غنچه بهارستان: حسین حزنی مکریانی، حلب، ۱۹۲۵، ص ۷.

Gardui بابلی که بمعنای شجاع و دلیر است هم‌ریشه می‌باشد.^{۱۱} درایور Driver درصدد توضیح بیشتری برآمده می‌گوید: «کلمه کاردوخی که شباهت زیادی به کلمه کرد دارد بر اقوامی اطلاق می‌شده که گزنفون^{۱۲} بسال ۶۰۱ ق.م در مناطق کردنشین کنونی بآنان برخورد کرده است. درحقیقت کلمه کاردوخی مشتق از واژه گورتو Gurto آشوری باضافه پسوند جمع ارمنی (Kh)(Kh) می‌باشد.^{۱۳} ولی بعقیده خاورشناسان معروف نولدکه Noldeke و هارتمان، کلمه کاردوخی مشتق از کلمه کرتی می‌باشد.^{۱۴}

به نظر استرابون: کرتی‌ها در ایران، نزدیک کوه‌های زاگرس در منطقه‌ای که به میدیا معروف بوده زندگی می‌کردند استرابون و لولیبس ولیفی درمورد کرتی‌ها متفقاً عقیده دارند که آنان قومی موصوف بشجاعت و بیباکی بوده و راهزنی می‌کرده‌اند و در بکار بردن فلاخن مهارت زیادی داشته‌اند. و این همان وصفیست که گزنفون از کاردوخی‌ها کرده است.^{۱۵}

بنابراین میتوان استنباط نمود که کاردوخی‌ها همان گوتی‌ها

11— Driver, G. R., «The Name Kurd and its phyloligical Connexions»
Journal of Royal Asiian Society—Part III, PP. 40—44, 402 .

۱۲— گزنفون مورخ و سردار معروف یونانی است: برای اطلاع درمورد او بکتاب ذیل مراجعه گردد .

Xenephone : «The Persian Expedition» Translated by :
Rex Warner. P. 127, 145 .

13— The Name Kurd and its phyloligical Connexions. P. 393 .

۱۴— همان مرجع قبلی، ص ۳۹۷ .

۱۵— الكرد و المسألة الكردية : شاکر خصباک، بغداد، ۱۹۵۹، ص ۸

کرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او، ص ۱۹۵ .

یا (کرتی‌ها) بوده‌اند که از طوایف ماد محسوب میشوند^{۱۶} از اینرو نامهایی مانند کوردیای ، کاردوخی ، کاردایا ، کاردوخ، کرتی، سیرتی، گوتی، که درسنگ نبشته‌ها و کتیبه‌های سومری‌اکدی، بابلی، آشوری ذکر شده‌اند با کلمه کرد بی‌ارتباط نیستند. با اینکه در این مورد دلائل قاطعی در دست نیست ولی باز نمی‌توان تشابه لفظی این کلمات را نادیده گرفت، این واژه‌ها نامهای طوایف یا قوم بخصوص بوده که بعد از گذشت چندین سال با اقوام ماد مخلوط گشته و امپراطوری ماد را تشکیل داده‌اند^{۱۷} آنچه در این مختصر برای ما حائز اهمیت است آنستکه کردان امروزی بمعقیده پیشتر خاورشناسان اخلاف و بازماندگان قوم ماد میباشند^{۱۸} که در همان سرزمین با حفظ بسیاری از معتقدات و عادات هنوز بجامانده‌اند و زبان آنها نیز تا حدودی محفوظ گشته و اگر آثاری از زمان مادها بدست آید این مطلب تأیید خواهد شد. از طرفی دیگر ارتباط و خویشاوندی زبان کردی با زبانهای ایرانی بویژه

۱۶- الكرد والمسألة الكردية ص ۸ .

۱۷- رساله دکتری ، نویسنده ، تحت عنوان حیات فرهنگی کرد در

پرتو اسلام سال تحصیلی ۵۲-۵۳ . ص ۱۳ .

۱۸- جهت مزید اطلاع (درمورد وابستگی کرد و ماد) بکتاب ذیل

مراجعه شود :

— The Chronology : The Middle East Journal. Vol. 23, N. 2. 1969—PP. 310 .

— The Kurds : Hassan Arfa. London. 1960, P. 1 .

همچنین ر . ک : القضية الكردية: دکتوربله چ شیرکوه . قاهره ، ۱۹۳۰

ص ۶-۷ . الحركة القومية الكردية : ادومون غریب، بیروت ۱۹۷۲ ، ص ۱۱ . کرد

مسئله سی : رفیق حلمی بغداد ۱۹۳۵ ص ۹ . تاریخ العراق القریب: مس بیل ،

ترجمه جعفر خیاط بغداد ۱۹۷۳ ص ۱۸۰ . سنتان فی کردستان : دبلو . آر . هی .

ترجمه فؤاد جمیل ، بغداد ۱۹۷۳ ، ص ۵۳ .

اوستائی و پهلوی و پارسی باستان آشکار و روشن است.^{۱۹} محققان در مورد منشاء و زمان ورود مادها بسرزمین ایران اختلاف نظر دارند، گیرشمن تاریخ ورود آنها را در حدود هزاره اول پیش از میلاد میداند.

عده ای دیگر چون «سایکس و مورگان و رشید یاسمی معتقدند که مادها از هزاره دوم پیش از میلاد وارد فلات ایران شده و در سرزمین ماد سکونت اختیار کرده اند».^{۲۰}

آنچه روشن است اینست که باستانی ترین سازمان اجتماعی در فلات ایران که اطلاعات کم و بیش صحیحی از آن در دست داریم دولت ماد است که قلمرو آن سرزمین شمال غربی ایران کنونی و آذربایجان را شامل میشود. از اطلاعات و مدارک تاریخی چنین برمی آید که تا قرن نهم و دهم قبل از میلاد سکنه این سرزمین در شرایط شبانی و شکار حیوانات و ایللیاتی و کشاورزی زندگی میکردند و دولت ماد هنوز بصورت دولت تکامل یافته در نیامده بود، بلکه ملوک الطوائفی بر منطقه مادها حکمفرما بود.

در قرن هشتم و نهم قبل از میلاد مادها در نتیجه حملات مداوم آشوری ها، بیش از پیش برای مقابله با آشوری ها با یکدیگر متحد شدند، در قرن هفتم ق.م دولت ماد یک دولت مقتدر شرقی بشمار میرفت و مرکز آن شهر (اکباتان) یعنی همدان فعلی بود، مادها

19— The Kurd and Kurdistan : Derk Kinane, London. 1970. P. 3 .

همچنین ر. ک : بحث در لهجه های مغرب ایران : رساله دکتری محمد

مکری ص ۴۹-۵۷ .

۲۰- ایران از آغاز تا اسلام : گیرشمن ، ص ۵۸ همچنین ر. ک مادها

و بنیان گذاری نخستین شاهنشاهی در غرب فلات ایران ، ص ۱۷۴ .

ناگزیر بودند همواره با همسایگان خود در جنگ باشند چنانکه در شرق باقبایل چادر نشین که به اتحادیه مادها ملحق نشده بودند ، در مغرب با آشوری‌ها و اورارتوها و دول دیگر درستیز بودند^{۲۱} .
سرانجام پس از ۶۱۲ ق.م. مادها با همکاری کلدانی‌ها بدنبال فتح نینوا امپراطوری آشور را منقرض ساختند .

در کتیبه‌های آشوری از مادها بنام مادای ، آمادای و در یونانی قدیم و متأخر ، مداسی Medaci ومدی ، میدی و یزیان پارسی باستان ماد Madu در زمان ساسانی بشکل ماسی درآمده و در کتب مورخین اسلامی بصورت ماه بکار رفته است .^{۲۲}

در قرن ششم سرزمین ارمنستان جزئی از امپراطوری ماد گشت^{۲۳} ارمنیان مادها را «مار» نامیدند .^{۲۴}

محققان سرزمین مادها را به سه ایالت مشخص نامگذاری کرده‌اند: سایکس نوشته است سرزمین مادسه استان بزرگ داشت ، «ماد بزرگ» که امروز عراق عجم یا (اراک) است «ماد آتروپاتن» که اکنون آذربایجان است و «ماد راجیانا»^{۲۵} که ولایات اطراف

۲۱- تاریخ اجتماعی ایران از آغاز تا عصر حاضر : مرتضی راوندی ، جلد اول ، ص ۷۹ .

۲۲- مادها و بنیان‌گذاری نخستین شاهنشاهی در غرب فلات ایران . جلیل ضیاء پور ص ۱۷۲ همچنین ر . ک ، رساله دکتری محمد مکری تحت عنوان لهجه های مغرب ایران ص ۱ .

۲۳- تاریخ اجتماعی و سیاسی ارمنه : ترجمه و تألیف گیوآقاسی و دکتر الکساندر پادماگریان ، تهران ۱۳۵۲ ، ص ۲۱ .

۲۴- سفره من ده ربندی بازیان الی مله‌ی تاسلوجه : توفیق وهبی ، بغداد ، ۱۹۵۸ ص ۷ همچنین تاریخ ماد ، دیاکونف ، ص ۱۹۱ .

۲۵- راجیانا باید همان «راگیانا یا راک» (ری) باشد .

تهران حالیه می باشد . سایکس اضافه می کند : دولت ماد در مرکز رشته کوه های زاگرس و جلگه های حاصلخیز واقع در مشرق این رشته کوه ، تشکیل شده بود . ابتدا ناحیه اطراف همدان تحت انتظام درآمد، لیکن این مرکز بزودی قلمرو خود را در چهار جانب بسط داد تا اینکه حدود شمالی آن به بحر خزر و رود (ارس) و گیلان و یقیناً قسمتی از مازندران که مادها در آنجا ساکن بودند رسید، از طرف شمال غربی شامل ایالت آذربایجان گردید، از جانب مشرق تا صحرای «لوت» که جمعیت قلیلی از بومیان در آن سکونت داشتند امتداد یافت در مغرب و جنوب به ایالات سرحدی آشور، آلی، بی و خارخار متصل بود گویا حدود فارس «در پشتکوه» تقریباً حد جنوبی ماد بوده است کلیه این قسمت ها از حیث آب و حاصلخیزی بهترین ناحیه فلات ایران است^{۲۶} . دیاکونف محقق روسی میگوید : سرزمین ماد بطور طبیعی به سه بخش مشخص تقسیم میگردد، نامبرده حدود بیرونی سرزمین ماد را چنین توصیف کرده است :

ماد باستان از سمت شمال غربی با اورارتو «ارمنستان بعدی» و از طرف شمال باالبانی هم مرز بود و در امتداد کرانه دریای «خزر» بوسیله حاشیه مرطوب و جنگلی نواحی تاسی و کادوسی «واقع در آن طرف رشته کوه های «البرز» که اینک گیلان، «تالش» و «مازندران» نامیده میشوند محدود میشد ، در مشرق ناحیه کوهستانی خراسان با سرزمین باستانی پارت خاک ماد را از (آسیای میانه) جدا میکرد . اندکی جنوبی تر از خاک «پارت» مرز شرقی ماد را پهنه های مرکزی و لم یزرع فلات ایران تشکیل میداد و «پارتاکننا» از سمت جنوب با کشور کوهستانی پارس هم مرز بود و از جنوب غربی به دره های

۲۶- تاریخ ایران ، سایکس ، جلدیکم ، ص ۱۴۹-۱۵۰ .

رودکارون و کرخه محدود میشد و از طرف مغرب نیز با آشور هم مرز بود، دیاکونف سپس حدود هر یک از استانهای سه گانه را معین کرده و مشخصات آنها را چنین شرح داده است :

۱- ماد آتروپاتن از شمال به رود ارس و از جنوب تا کوه الوتد ممتد بوده است دریاچه «اورمیه» و رودهایی که وارد آن میشدند مانند جفتو = «زرینه رود» و دیگر رودها و همچنین دره رود «قزل اوزن» و «سفید رود» قرار داشت که رشته کوههای البرز را قطع میکرد و به دریای خزر میریخت، در این محدوده قرار داشت. بخش غربی این استان را نوار پهنی از رشته کوههای موسوم به زاگروس تشکیل میداد .

۲- ماد سفلی در میان دیواره های بلند رشته کوههای شمالی و جنوبی واقع بود که کوههای شمالی آن سلسله کوههای البرز و کوههای جنوبی آن چند رشته کوه بود که بموازات کوهستان زاگرس از سوی شمال غربی به جنوب شرقی امتداد می یافت. ماد سفلی پهنه ای مرکب از صحراهای خاکستری بود که حد جنوبی شرقی این پهنه، بیابان شوره زار دشت کویر است. این محدوده در زمستان یخبندان و در تابستان سخت است و فقط در دامنه این رشته کوهها اندک رطوبتی وجود دارد که نواحی زراعتی را پدید می آورد .

۳- ماد پارتاکناکه توسط زاینده رود مشروب میشده و میان دو رشته کوه متوازی واقع بوده و در شمال، «کم رود» و در جنوب ، رشته کوههای جنوبی ایران این ناحیه را محدود میساخته است ۲۷
بنابراین سرزمین اصلی ماد شامل تمام نقاط آذربایجان و کردستان و همچنین ایران مرکزی بوده است. ۲۸

۲۷- تاریخ ماد : م ، دیاکونف . ص ۱۰۷-۱۱۱ .

۲۸- مجله ماد : جلد دوم ، باهتنام محمد کیوان پور ، تهران ۱۳۲۲ ، ص ۱۰۱

برای توضیح بیشتر یادآور می‌شویم که بطور کلی قبایل و طوایف ایرانی به‌دودستهٔ مادها و پارسها تقسیم می‌شدند، برای نخستین بار مصادر تاریخی آشور بسال ۸۴۶ و ۸۳۶ قبل از میلاد بمنطقه پارسوا «Parsua» و میدیا «Media» در جنوب دریاچه اورمیه «رضائیه» در منطقه کردنشین مکریان اشاره کرده‌اند بعد مدت زیادی نپائید که اقوام پارسی بسوی جنوب سرازیر شده و منطقه‌ای که در آن سکونت گزیدند بنام «Parsa» اشتهار یافت و امپراطوری نیرومندی را بزمامداری کورش بزرگ تشکیل دادند که تا سال ۳۳۱ ق.م پابرجا بود.^{۲۹} ولی مادها در منطقه شمال غربی به بسط و توسعه قلمروی حکومتشان پرداختند و بر کلیه حکومتها و امارات و طوایف آن منطقه بویژه بر قبایل سکیفنی غالب گشته و آنها را تحت نفوذ خود درآوردند و در شکست دولت اورارتو^{۳۰} سهم

۲۹- پارسیان در پارسوماش در کوههای فرعی سلسله جبال بختیاری در مشرق شوشتر ناحیه‌ای واقع در دوسوی ساحل کارون نزدیک انحنای بزرگ این شط پیش از آنکه بسوی جنوب انحراف یابد مستقر بودند، پارسیان تحت رهبری هخامنشی حکومت کوچک خود را که مقدر بود بسیار بزرگ گردد تأسیس کردند و نام خویش را بدان دادند. ر. ک ایران از آغاز تا اسلام: گیرشمن، ترجمه محمد معین، تهران ۱۳۳۶. ص ۱۰۸.

۳۰- اورارتویکی از دولتهای قدیمی بشمار می‌رود که در میان قرن نهم تا قرن ششم قبل از میلاد اقتدار داشته است. سلطنت نیرومند اورارتو تا آراتات وزمینهای ارمنستان و منطقه‌های مجاور آن را شامل میشد. پایتخت اورارتو نزدیک به شبروان بوده است، اورارتوها با آشوریها و مصریها و یونانیها و سایر ممالک خاور نزدیک روابط تجاری و فرهنگی داشتند و با امپراطوری آشور درگیری‌هایی بر سر قدرت پیدا کردند. سرانجام بسال ۵۹۰ ق. م تحت تسلط مادها درآمدند. ر. ک: تاریخ اجتماعی و سیاسی ارمنه ص ۲۰-۲۱.

بسنزائی داشتند، بجااست که در اینجا باستدلال پروفیسور مینورسکی^{۳۱} در مورد وابستگی کردها و مادها بپردازیم :

ایشان معتقدند که از لحاظ تاریخی و جغرافیائی کردها فقط از ماد صغیر «اتروپاتن» یعنی آذربایجان باکناف و اطراف پراکنده شده‌اند،^{۳۲} نامبرده در ضمن اینکه کردها را برخاسته از سرزمین ماد میدانند اضافه مینماید که با احتمال زیاد کردها در حین اقامت با قبایل کارد و اختلاط یافته و کشور ماد را با وج قدرت رسانیده‌اند^{۳۳} مینورسکی بعد از این استدلال به این نتیجه میرسد : اگر کردهای کنونی نواده‌ها و بازماندگان مادها نیستند پس سرنوشت اقوام دلیر مادی که امپراطوری نیرومندی را تشکیل دادند بکجا انجامید...؟ و چه بسر آنها آمد...؟

و کردهای کنونی که دارای خصوصیات ریشه‌داری هستند و بزبان ایرانی اصیل صحبت میکنند ، چگونه در این منطقه پهناور

۳۱- پروفیسور مینورسکی (۱۸۷۶-۱۹۶۶) در قصبه کرچوا در ساحل رودخانه ولگا متولد شده و تحصیلات مقدماتی خود را در مسکو به پایان رسانده و در دانشگاه آن شهر چهار سال از سال ۱۸۹۶ تا سال ۱۹۰۰ در دانشکده حقوق به تحصیل اشتغال داشته و بعد در مؤسسه لازارف سه سال در زمینه زبان‌های شرقی تحصیل کرد . در سال ۱۹۰۳ مسیحی وارد وزارت خارجه روس شد . از سال ۱۹۰۴ تا سال ۱۹۰۸ در ایران خدمت کرد و بستهای علمی زیادی بعهده داشته و مقالات و رساله‌ها و کتب تألیفی او در رشته ایران‌شناسی بسیار است . تحقیقات بسی ارزنده در مورد ریشه نژادی و مذهب و زبان کردها به عمل آورده است و برای اطلاع بیشتر در مورد او به کتاب یادنامه مینورسکی به اهتمام مجتبی مینوی و ایرج افشار تهران ۱۳۴۸ مراجعه گردد .

۳۲- مقدمه شرفنامه : محمد عباسی ، ص ۳۳-۳۴ .

۳۳- خلاصه تاریخ الکرد و الکردستان ، ص ۴۱ .

بوجود آمدند ؟... ۳۴

مینورسکی اضافه مینماید : اگر نقشه مناطق کردنشین را که مارك سايكس در فاصله جنگ جهانی اول کشیده از مدنظر بگذرانیم هجرت ایلات و طوایف ماد و قلمرو نفوذ آنها را بروشنی در خواهیم یافت . ۳۵

مینورسکی در صدد توضیح بیشتری برآمده و اضافه می‌کند : مؤرخ ارمنی (موقسیس خوریناتسی) که در اوایل قرن ششم میلادی میزیسته نخستین مورخ است که تاریخ آرامنه را از قدیمترین ازمنه تا سال ۴۲۸ میلادی برشته تحریر درآورده و ضمن تحدید و تعیین قلمرو مادها با وجود آنکه مدت زیادی از انقراض مادها سپری گشته بود نام مادها را بر کردهای معاصر خویش اطلاق نموده است. بدین ترتیب او نیز صحه براین مطلب میگذارد که کردها احفاد مادها میباشند . ۳۶

مینورسکی در صدد جستجو و ارائه دلایل و شواهد دیگری جهت اثبات عقیده خویش در مورد وابستگی کردها بمادها برآمده و

34— The Origins of the Kurds and Their Language — By Tawfiq Wahbi
PP. 2—4 .

همچنین ر.ك : مجله المجمع العلمی الكردي ، بغداد ۱۹۷۳، ص ۵۶۳ .

35— Sykes : «The Kurdish Tribes of the Ottoman Empire» The Journal
of the Royal Anthropological Institute of Britain .

۳۶— در دایرة المعارف بریتانیا چاپ ۱۹۲۹ تحت عنوان کرد و کتاب :

Armenia and Kurdistan نیز چنین آمده بعد از انقراض دولت ماد اقوام و طوایف مادی به کردها پیوستند و باهم اتحاد کردند و کردها با این اتحاد از تمدن مادها تأثیرات زیادی چه مادی و چه معنوی پذیرفتند و بیشتر این خصوصیات و تأثیرات را کردها نگه داشته‌اند . بنابراین می‌توان ادعا کرد که کردها احفاد مادها هستند یا اینکه در قدیم دو اسم برای يك قوم وجود داشته است . ر . ك :

Foreign Office : Armenia and Kurdistan, London, 1971. P. 4

میگوید: «آنچه آشکار است قسمت غربی منطقه ماکو در ایران بویژه منطقه دامیات که موقسیس خوریناتسی نیز از آن یاد کرده هنوز منطقه‌ای کردنشین است و این منطقه بدلائل تاریخی و جغرافیائی در قلمرو ماد صغیر بوده است و چنانکه ذکر شد در قدیم ارمنیان واژه ماد را برای منطقه ماد (Mada) بکار میبردند. و این منطقه در زبان پارسی به ماه (Mah) شهرت داشته است. بدین ترتیب میتوان گفت (ماکو) در اصل (ماه‌کوه) بوده است یعنی منطقه کوه‌نشین سرزمین ماد. و این مطلب نیز شاهد دیگریست برای ارتباط کردها و مادها.^{۳۷}

برای اینکه شواهد و دلائل دیگری از ارتباط مادها بکردها ارائه داده باشیم به تحقیقات برخی از زبان‌شناسان در مورد نزدیکی زبان کردی و ماد یا اوستائی اشاره مینمائیم:

آنچه معلوم شده زبان مادی زبان شاهان سلسله ماد و مردم مغرب و مرکز ایران بوده است. از سال ۸۲۵ ق. م به بعد در کتیبه‌های شاهان آشوری از ماد نام برده شده است. کلماتی از این زبان نیز در زبان یونانی باقی مانده ولی مأخذ عمده اطلاع ما در زبان مادی کلمات و عباراتی است که در کتیبه‌های هخامنشیان که جانشین شاهان ماد بوده‌اند بجای مانده است. از این جمله کلمات (Vazrka) بزرگ، (Baxris) باختر، (Mitra) مهر است. تشخیص مادی بودن این کلمات بر حسب قواعد زبان‌شناسی است^{۳۸} آنچه آشکار است کردها از سرزمین ماد برخاسته‌اند که اکنون مناطق کردنشین را

۳۷- مجله المجمع العلمي الكردي ص ۵۶۲ .

۳۸- فرهنگ معین جلد اول ص ۴ .

تشکیل می‌دهد. ۳۹ و وارث تمدن مادی هستند. ۴۰
 بدین علت زبان کردی نیز وارث و نوهٔ زبان مادو اوستائیس^{۴۱}
 برای تأیید مطلبی که ذکر شد در دائرة المعارف بریتانکا تحت
 عنوان کرد چنین آمده است :
 خصوصیات عمده کلیه لهجه‌های کرمانجی کردی^{۴۲} این
 موضوع را آشکار میکنند که به احتمال زیاد این زبان از ریشه
 استوار و قدیمی زبان مادی است. ۴۳
 خاور شناس معروف دارمستتر بعد از یک رشته تحقیقات عمیق

۳۹- ر. ک : رسالهٔ دکترای امین علی سعید تحت عنوان پسوند و پیشوند
 در کردی و مقایسه با فارسی سال تحصیلی ۱۳۴۷-۱۳۴۸ ص ۵ .
 ۴۰- دکتر ارشاک سفرسیستان محقق ارمنی برخلاف بیشتر مورخین
 معتقد است که ملتی بنام ماد وجود خارجی نداشته و اسم میدا «Meda» بمعنای
 کشور یا زمین است مثلاً میگفتند میدا گوتیوم یعنی کشور گوتی‌ها یا میدا عیلام
 یعنی کشور ایلام ولی نامبرده دلائل متقن و قانع‌کننده‌ای برای اثبات عقیده خویش
 در این مورد ارائه نداده است . زیرا هر دو ت و استرابون بوجود ملتی بنام ماد در
 سرزمین ایران تصریح نموده‌اند . برای توضیح بیشتر و اطلاع بر عقاید سفر
 سیستان بکتاب :

Kurdistan and The Kurds : A. R. Safarstian — London, 1948. P. 49 .

- ۴۱- بیشتر احتمال دارد که زبان اوستائی مادی باشد یا خراسانی ر . ک :
 مقدمه برهان پورداود ص ۴ .
 ۴۲- زبان کردی به سه دسته بزرگ تقسیم میشود که آنها نیز شامل
 لهجه‌های فرعی میباشند
 ۱- کرمانجی شمالی که عبارت است از بایزیدی ، حکاری بوتانی اسیتی،
 بادنیانی .
 ۲- کرمانجی جنوبی که عبارت است از سورانی، مگری، سلیمانی، سنندجی
 ۳- کرمانشاهی که عبارت است از کلهری ، پشت کوهی، لکی .
 43— Encyl. Britanica — Vol. 13. PP. 519.

در زبان کردی به این نتیجه میرسد که زبان کردی شاخه‌ای از زبان مادی است . ۴۴

اگر اوستا را کتاب مقدس مادها بدانیم این مطلب بروشنی آشکار میشود که میان زبانهای ایرانی کنونی بیشتر زبان کردی با اوستائی پیوند و خویشاوندی نزدیک دارد ، زیرا برخی از اصوات و واژه‌های اوستائی هنوز در کردی محفوظ مانده است . ۴۵
ما در این مختصر بذکر شمه‌ای از اینگونه ارتباط و وابستگی میان زبان کردی و اوستائی میپردازیم :

الف : از لحاظ آواشناسی زبان کردی بیشتر اصوات اوستائی را در بردارده که از آنجمله اصوات ذیل است :

مثال کردی

صوت اوستائی

- | | | |
|-----------------------|----|------|
| خویشك Xwaysk خواهر | ۱- | خو |
| مانگك Mang ماه | ۲- | انگك |
| هنگك Hang زنبور عسل . | | |

این واحد صوتی در بینی ادا می‌شود .

ب : از لحاظ دستوری و ساختمان .

وجود علامت برای فرق گذاشتن مذکر و مؤنث در بعضی از لهجه‌های زبان کردی مانند گورانی و کرمانجی شمالی دلیل بر وحدت ریشه زبانهای ایرانی و کردی است زیرا این علایم در تمام زبانهای

۴۴- مقدمه شرفنامه ، ص ۱۰۹ الاکراد، ملاحظات و انطباعات، مینورسکی،

۴۵- حول مقال مسئولیة الادیب الکردی الکبری: توفیق وهبی، بغداد ۱۹۷۳ ص ۷.

باستانی ایران مخصوصاً اوستائی وجود داشته است^{۴۶} برای توضیح بیشتر در این باره بمقایسه برخی لغات هم‌ریشه کردی، فارسی، اوستائی می‌پردازیم :

اوستائی	فارسی	کردی
اوستائی	فارسی	لهجه گورانی لهجه سورانی
آتر	آذر	آگر
اورا	ابر	نه‌ور
(وفر)	برف	به‌فر
برز	بلند	به‌وز
ماز	بزرگ	مه‌زن
ماسیا .	ماهی	ماسی

۴۶- پسوند و پیشوند در کردی و مقایسه با فارسی . ص ۰۷ و نکه لهجه‌های مغرب ایران ص ۵۶ .

